

سیاسی ایران به‌عنوان کشوری با ۱۴۰۰ کیلومتر مرز آبی در خلیج فارس می‌توانست نقش بسیار ارزنده‌ای در حفاظت منطقه و مقابله با قیامهای مردمی یا شورشهای ضد غربی مانند شورش ظفار برضد سلطان قابوس داشته باشد. از همین رو نقش ژاندارم منطقه به شاه ایران محول گردیده بود.

در سال ۱۹۷۹ میلادی انقلاب اسلامی ایران به‌پیروزی رسید و در سال ۱۹۹۱ رقیب سرسخت آمریکا یعنی اتحاد جماهیر شوروی از هم فرو پاشید. با وجود کنار رفتن آن کشور از صحنه رقابت با آمریکا و خاتمه جنگ سرد، نگرانی آمریکائیان از این منطقه همچنان پابرجاست. آمریکائیان مدعی‌اند که امنیت کامل اسرائیل و کشورهای عربی تولیدکننده نفت خام و باز بودن مسیر صادرات نفت منطقه، آنها را ناچار می‌سازد که این منطقه را چون گذشته زیر نظر داشته باشند.

اما آیا اکنون پس از گذشت بیست سال از انقلاب اسلامی، این سیاست‌ها دستخوش دگرگونی شده است؟ آیا جایگاه ژئوپلیتیکی ایران پس از پایان جنگ سرد همچنان مانند دوران جنگ سرد باقی مانده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این پرسشها دلایل امر چیست؟

جنگ سرد چیست؟

گرچه ایالات متحده آمریکا و شوروی در دوران جنگ جهانی دوم از سردمداران متفقین در برابر نیروهای متحد به‌شمار می‌آمدند اما درست پس از خاتمه جنگ، اتحاد آنها تبدیل به یک رویارویی طولانی گردید که تا سالهای نخست دهه ۱۹۹۰ به طول انجامید.

علت اصلی این تضاد و رویارویی را باید در چگونگی شکل‌گیری منافع این کشورها سراغ گرفت. ایالات متحده آمریکا قصد داشت تسلط و قلمرو نفوذ خود را در نیمکره غربی و آسیا حفظ نماید و یک نظام جهانی بازار آزاد بنیان نهاد (گاف و همکاران، ۱۳۶۰: ۵۲). باید یادآوری

سرمزمین ایران و بویژه تنگه هرمز و خلیج فارس به دلیل دارا بودن ارزشهای خاص اقتصادی و سیاسی از دیرباز صحنه حضور بیگانگان و مورد توجه و علاقه جهانیان بوده است. سابقه حضور قدرتهای استعماری در این منطقه به اواخر قرن هیجدهم بازمی‌گردد. ارزش ژئوپلیتیکی ایران به حدی است که هرگونه تغییری در حاکمیت آن می‌توانسته است موازنه منطقه‌ای و جهانی را بر هم زند. در دوران قبل از سال ۱۹۱۷ میلادی یا دوره حاکمیت تقریباً بلامنازع انگلستان بر خلیج فارس و تنگه هرمز، رقابتی بین آن کشور و دولت‌های روسیه، آلمان و فرانسه وجود داشت. پس از آن دوره و جایگزینی دولت جوان و قدرتمند آمریکا در منطقه، تلاش برای حفظ نفوذ و کنترل بیگانگان بر خلیج فارس و منطقه ادامه یافت.

دلایل این علاقمندی نه تنها برای آمریکا بلکه برای شوروی، ژاپن و کشورهای اروپایی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

الف - حجم زیاد ذخایر نفتی و گازی شناخته شده در این منطقه؛
ب - ثروت ناشی از صادرات نفت و گاز در کشورهای منطقه خلیج فارس و بازار مناسب صادرات کالاهای جهانی به این کشورها؛

ج - موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و قرار داشتن آن در مرکز یا محل تلاقی و پیوند بخش شرقی و غربی، شمالی و جنوبی ریملند.
در دوران جنگ سرد منطقه خلیج فارس و کشور ایران به دلایل یادشده از موقعیت کاملاً استراتژیک و ارزش والای ژئوپلیتیکی برخوردار بود. به همین دلیل از یک سو روسها طالب دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و تنگه هرمز بودند و از سوی دیگر رقیب سرسخت آنها یعنی آمریکا که در دوران جنگ جهانی دوم جایگزین دولت استعماری انگلیس شده بود توقف برنامه‌های توسعه طلبانه روسها را می‌خواست.

برای آمریکائیان در کنترل داشتن نظام

جایگاه ژئوپلیتیکی ایران پس از جنگ سرد

دکتر مهدی ادیبی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

کرد که تا قبل از جنگ جهانی دوم نیروهای انگلیسی نفوذ زیادی در آسیا و بویژه در حوزه آبهای اقیانوس هند و خلیج فارس داشتند اما به دلیل هزینه سنگین جنگ و خسارات زیادی که در طول جنگ بر آنها تحمیل گردید، دیگر قادر به حفظ منافع و مستعمرات خود نه تنها در آسیا بلکه در سراسر جهان نبودند. از همین رو آمریکا که کمترین خسارات را از جنگ دیده و کاملاً از آسیب‌های ویرانگر آن برکنار مانده بود، مترصد گرفتن جای انگلستان بود. تلاش آمریکایی‌های تازه نفس برای تصاحب غنایم جنگی و تقسیم منافع بین‌المللی، روسها را مصمم نمود که نه تنها در اروپا بر کشورهای اروپای شرقی استیلا یابند و آلمان را از لحاظ نظامی ناتوان نگه دارند بلکه در آسیا هم خود را در منافع آمریکا شریک سازند. به همین دلیل با وجود تعهدی که در جریان کنفرانس تهران مبنی بر خارج ساختن نیروهای خود از ایران داده بودند، سیاست مبهمی در پیش گرفتند و در نواحی کردنشین و ترک‌نشین جنبش‌های کمونیستی جدایی طلب و استقلال‌خواهی به راه انداختند تا بتوانند به موازات تلاشهایی که در کشورهای اروپای شرقی برای ایجاد دیوار دفاعی مستحکمی در مقابل دنیای آزاد سرمایه‌داری صورت می‌دادند، در منطقه استراتژیک ایران نیز جای پای محکمی به دست آورند. تغییر استراتژی مهمی که پس از خاتمه جنگ در حال شکل‌گیری بود موجب برهم خوردن موازنه قدرت در سطح بین‌المللی و به وجود آمدن جهانی دوقطبی گردید. قطب‌های جدید شرق و غرب به رهبری روسیه شوروی و آمریکا با ایدئولوژیهای کاملاً متعارض و متضاد آشکارا به رویارویی با یکدیگر پرداختند.

از دیگر دلایل این رویارویی، وجود رهبرانی چون هاری ترومن و ژوزف استالین در آمریکا و شوروی بود. از نظر خصوصیات سیاسی و اخلاقی ترومن سیاستمداری زیرک بود که از استالینسم به شدت انتقاد می‌کرد و استالین نیز رهبر زیرک و مصممی بود که با آنکه با جهان

خارج تماس محدودی داشت اما با اراده‌ای قوی برای کسب قدرت و نفوذ در دنیای پیرامون خود می‌کوشید.

از نظر روانشناسی سیاسی هر دو رهبر سوءظن شدیدی نسبت به یکدیگر داشتند و تصورات دهشتناکی را برای ملت خود بیان می‌نمودند. به همین دلیل آنان مسابقه تسلیحاتی شدیدی را با توجیهاتی بظاهر منطقی و عقلایی شروع نمودند و میلیاردها دلار صرف تهیه و ذخیره‌سازی سلاح‌های مخرب اتمی و هیدروژنی و موشک‌هایی با کلاهک‌های اتمی نمودند.

در پی کنفرانس پوتسدام روابط دو ابرقدرت بشدت تیره گردید (گاف و همکاران، ۱۳۶۰: ۵۵). اما این روابط متناوباً بحرانی و دوستانه می‌شد. در میان این قهر و آشتی‌ها، رهبران این دو ابرقدرت که بزرگترین نیروی نابودکننده نسل بشر را در اختیار داشتند هر بار که احساس کرده‌اند منافع‌شان از طرف کشورهای مستقل یا از طریق جریان‌های بین‌المللی مورد تهدید قرار گرفته است، روابط میان خود را بهبود بخشیده و با یکدیگر آشتی کرده و پشت میز مذاکره نشسته‌اند (رونکی، ۱۳۶۰: ۱۷).

در طول دهه ۱۹۵۰ جنگ سرد شدیدتر شد. ایالات متحده سیاست محدودسازی جهانی اتحاد شوروی را دنبال کرد و شبکه توافق‌ها و اتحادهای خود را به آسیا گسترش داد. به این ترتیب در اواخر دهه ۱۹۵۰ ایالات متحده، شوروی را با زنجیره‌ای از پایگاه‌های هوایی و موشکی که از آنها می‌توانست خاک این کشور را هدف کلاهک‌های هسته‌ای قرار دهد محاصره کرده بود. در مقابل، روسیه شوروی می‌توانست با حمله به اروپای غربی همپیمان و متحد استراتژیک آمریکا، به این تهدیدات پاسخ دهد. در اوایل سال ۱۹۶۰ با استقرار موشک‌های شوروی در کوبا، جهان بار دیگر گرفتار هراس و نگرانی شدیدی شد و در آستانه یک جنگ هسته‌ای قرار گرفت، اما با عقب‌نشینی آمریکایی‌ها روسها نیز موشک‌های خود را از کوبا

● به عقیده برخی از پژوهشگران و تحلیل‌گران سیاسی، سرنوشت تأسیسات و سازمانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر در گرو یک سلسله عوامل طبیعی ثابت و متغیر است که همه آنها از جبر جغرافیایی ریشه می‌گیرند.

کروز را در غرب اروپا مستقر نمود. با قطبی شدن عرصه سیاست در دهه ۱۹۸۰ رقابت شوروی و ایالات متحده در سراسر جهان تشدید گردید.

در ۱۹۸۵ با روی کار آمدن میخائیل گورباچف امیدهایی در مورد بهبود روابط ابرقدرتها به وجود آمد و به مرور بر اثر اصلاحات اقتصادی و سیاسی گورباچف نظام کمونیستی شوروی از درون متلاشی شد و سیاستمداران روسی از نظر سیاسی و اقتصادی روشهای بازار آزاد را در پیش گرفتند. عملاً جنگ سرد پایان پذیرفت و قطب‌بندی جهان از اساس دچار دگرگونی گردید.

پس از ذکر این تاریخچه مختصر از جنگ سرد بین دو ابرقدرت، دلایل اهمیت استراتژیک ایران در دو دوره جنگ سرد و پس از آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ژئوپلیتیک ایران چگونه است؟

معنای لغوی ژئوپلیتیک (Geopolitique) سیاست زمین است. در فرهنگ لغت لاروس فرانسه در تعریف ژئوپلیتیک آمده: دانشی که روابط بین جغرافیای دولتها و سیاست‌های آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. (Larousse, 1988:468).

اغلب به نظر می‌رسد که مسئولان سیاسی هر نظامی در انتخاب فرهنگ سیاسی و رفتار در عرصه بین‌المللی آزادی تام و تمام دارند در حالی که این تصور کاملاً نادرست است زیرا عوامل جغرافیایی یکی از محدودیت‌های اصلی و اساسی در گزینش و انتخاب نوع سیاست‌های بین‌المللی می‌باشد. توجه به مبانی و اصول ژئوپلیتیک می‌تواند موجب قدرتمندی دولتها گردد و به آنان امکان دهد تا نقش اساسی و بارزی در صحنه سیاسی جهان بازی کنند (عزتی، ۱۳۷۲: پیشگفتار).

به نظر ژان گاتمن اگر زمین مانند یک توپ بلیارد صاف و صیقلی بود، در آن

در طول دوران جنگ سرد آمریکائیان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین سیاست مقابله و برخورد با مبارزان استقلال و اصلاحات اجتماعی را که غالباً مورد حمایت کمونیستها بودند پی‌گیری کردند. ایجاد سپاه صلح به دستور جان اف کندی در چهارچوب همین سیاست بود تا مهارت‌های آموزشی و تکنولوژی به میان مردم کشورهای فقیر جهان سوم برده شود (گاف و همکاران، ۱۳۶۰: ۷۴).

در ۱۹۶۴ منازعه هند و چین به یک جنگ بزرگ بدل گردید و در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون نیروهای آمریکایی برای مقابله با گسترش طلبی و پیشروی کمونیستها وارد میدان درگیری در ویتنام جنوبی شدند و جنگی یازده ساله را برضد کمونیستها آغاز نمودند. در سال ۱۹۶۹ این منازعه به یک رویارویی بزرگ در جنگ سرد مبدل شد. در عمل، آمریکا از ویتنام جنوبی و حکومت سایگون، و روسها و چینی‌ها از ویتنام شمالی حمایت می‌نمودند، اما هر سه قدرت بزرگ تلویحاً توافق داشتند که جنگ ویتنام نباید به یک جنگ اتمی تبدیل شود بلکه باید با سلاحهای غیرهسته‌ای ادامه یابد. با پیروزی کمونیستها در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۶ آمریکایی‌ها از ویتنام عقب‌نشینی کردند اما جنگ بین کمونیستها آغاز شد.

در دهه ۱۹۷۰ آمریکا دچار مشکلات عدیده‌ای بویژه از نظر اقتصادی گردید. بیکاری فراوان، تورم شدید و بازده کاری پائین کارگران و کاهش نسبی تولید کالا و خدمات موجب روی کار آمدن محافظه‌کاران در آمریکا گردید.

از سوی دیگر توسعه ساختار نظامی شوروی در دهه ۱۹۷۰، بعضی از رهبران سیاسی ایالات متحده را نگران کرد. ورود سربازان روسی در ۱۹۷۹ به افغانستان به این نگرانی دامن زد. با استقرار موشکهای اس - اس - ۲۰ و سایر موشکهای شوروی در غرب این کشور که تهدیدی برای اروپای غربی به‌شمار می‌رفت آمریکا نیز موشکهای پرشینگ - ۲ و

● ژان گاتمن: اگر زمین مانند یک توپ بلیارد صاف و صیقلی بود، دیگر هیچ توجیهی برای مطالعه ژئوپلیتیک وجود نداشت.

صورت هیچ توجیهی برای چنین مطالعه و بررسی وجود نداشت و اصولاً مطالعه ژئوپلیتیک نمی‌توانست کارساز باشد. (Gottmann, 1952:24). در طول تاریخ، تفکرات ژئوپلیتیکی دچار تغییرات و نوسانات شدیدی گردیده است. در ابتدا قدرت هر کشور را در روابط سیاسی بین‌المللی، بشدت تحت تأثیر عوامل محیط جغرافیایی آن می‌دانستند اما بعدها به مرور نقش انسانها در پیدایش قدرت سیاسی با اهمیت‌تر از محیط جغرافیایی ارزیابی گردید و برای داده‌های طبیعی اهمیتی محدود قائل شدند. این یکی از تحولات ژئوپلیتیکی عصر معاصر است که با تفکرات ژئوپلیتیکی قرن نوزدهم یا اوائل قرن بیستم تفاوت فاحش دارد. تأثیر اهمیت استراتژیک ایران و قرار داشتن این سرزمین در ریملند را می‌توان در کلیه وقایع تاریخی جنگ جهانی دوم بخوبی مشاهده نمود. آلمانی‌ها تبلیغات وسیعی در مورد مشترک بودن نژاد آریایی دو ملت ایران و آلمان و مشابهت هدفهای ملی دو کشور و مبارزه با کمونیسم و امپریالیسم آغاز کرده و محبوبیت زیادی بین ایرانیان به‌دست آورده بودند. دولت ایتالیا هم که متحد آلمان بود کمک‌های فراوانی در به‌وجود آوردن نیروی دریایی ایران و تحویل فوری کشتی‌های جنگی و آموزش دریانوردی به افسران جوان ایرانی و اعزام مستشاران نظامی نیروی دریایی نمود (مهدوی، ۱۳۶۴: ۳۹۸).

در همان دوران جنگ جهانی دوم، انگلیسی‌ها به‌دلیل تسلط بر آبهای خلیج فارس توانستند جلوی ورود وسایل فنی کارخانه ذوب آهن ایران را که از بندر هامبورگ حمل شده بود بگیرند و آنها را توقیف نمایند. دولت آلمان به روسیه شوروی که هنوز وارد جنگ نگردیده بود پیشنهاد نمود که اجازه دهد مرادوات تجاری و حمل‌ونقل کالا بین ایران و آلمان از طریق خاک روسیه صورت گیرد. در اوت ۱۹۴۱ اولتیماتوم دولت‌های شوروی و انگلستان مبنی بر خروج کلیه اتباع آلمانی از ایران و خاتمه دادن به فعالیت جاسوسان آلمانی،

ایران را سخت تحت فشار قرار داد و درست یازده روز بعد از انتشار منشور آتلانتیک که طی آن چرچیل و روزولت آزادی و استقلال و حق تعیین سرنوشت را برای همه ملت‌های جهان به رسمیت شناخته بودند، کشور بی‌طرف ایران از شمال و جنوب مورد تجاوز قرار گرفت و دولت‌های شوروی و انگلستان با نیروی نظامی به خاک ایران تجاوز کردند (مهدوی: ۱۳۶۴: ۴۰۳-۴۰۵).

عوامل قدرت از دیدگاه ژئوپلیتیک

از نظر جغرافیای سیاسی در میان عوامل جغرافیایی که در ضعف یا قدرت یک کشور مؤثرند عناصر زیر بسیار تعیین کننده می‌باشند:

الف - آب و هوا، اقلیم و منابع طبیعی

ب - نوع زمین

ج - وسعت خاک

د - موقعیت سرزمین

موقعیت جغرافیایی کشور ایران همواره تاریخ گذشته آن را تحت الشعاع قرار داده است و در آینده نیز این موقعیت سرنوشت‌ساز خواهد بود. ایران با دارا بودن ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت از تنوع آب و هوایی چشمگیر و منابع طبیعی سرشار و اراضی گوناگون با موقعیت سرزمینی ویژه برخوردار است.

در طراحی مسائل استراتژیک و تاکتیکی توجه به بادهای موسمی، باران، برف، درجه حرارت در مناطق و فصول مختلف کشور و همچنین در کشورها و مناطق همجوار از عوامل با اهمیت و قابل توجه شناخته می‌شود. موقعیت‌های زمینی، ارتفاعات و جلگه‌ها و پستی‌ها و غیره همگی در کاربرد سلاحهای مختلف، دستگاههای ردیابی، رادار، گیرنده و فرستنده مؤثر می‌باشند. (کاظمی، ۱۳۶۹: ۲۴۶)

به عقیده برخی از پژوهشگران و تحلیلگران سیاسی سرنوشت تأسیسات و سازمانهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بشر در گرو یک سلسله

● در ابتدا قدرت هر کشور را در صحنه بین‌المللی، بشدت متأثر از محیط جغرافیایی آن می‌دانستند ولی بعدها به مرور نقش انسانها در پیدایش قدرت سیاسی با اهمیت‌تر از محیط جغرافیایی ارزیابی گردید و برای داده‌های طبیعی اهمیتی محدود قائل شدند.

عوامل طبیعی ثابت و متغیر است که همه آنها از جبر جغرافیایی ریشه می‌گیرند.

این عوامل جغرافیایی عبارتند از:

۱- عوامل ثابت مانند فضا، سرزمین یا قلمرو، وسعت خاک و عوارض طبیعی آن.

۲- عوامل متغیر مانند جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۳۰)

هر نوع تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی باید در چهارچوب عوامل ثابت و متغیر یادشده صورت پذیرد. هرچند با پیشرفت صنعت و بخصوص صنایع نظامی و اختراع جنگ‌افزارهای اتمی محدودیت‌های عوامل ثابت مانند مسافت، موانع طبیعی، اقیانوس‌ها، کوهها و دریاها نمی‌تواند مانع جدی برای کاربرد این قبیل تسلیحات باشد اما با توجه به این که هنوز کشورهای زیادی فاقد این قبیل تسلیحات هستند و این سلاحها عمدتاً نقش بازدارندگی دارند، لذا عوامل یاد شده از قوت و نفوذ خود کماکان برخوردارند.

جایگاه جغرافیایی ایران، قرار داشتن در کنار سواحل خلیج فارس و دریای عمان از يك سو، و در مجاورت اتحاد جماهیر شوروی سابق از سوی دیگر، و دارا بودن منابع غنی نفتی و منابع کانی گوناگون و تنوع آب و هوایی، موقعیت ممتازی را از نظر ژئوپلیتیک برای این کشور فراهم آورده و قدرت خاصی به این کشور بخشیده که از دید قدرتهای جهانی نیز مخفی نمانده است.

اهمیت استراتژیک ایران در دوران

جنگ سرد

بررسی دلایل اهمیت استراتژیک ایران در دوران جنگ سرد یا حتی قبل از آن به‌عنوان مقدمه و آشنایی با تاریخچه موضوع می‌تواند مفید باشد و به آشنا نمودن ما به مسئله کمک شایانی نماید. این دلایل مختصراً به‌شرح ذیل

است:

۱- پس از کشف ذخائر عظیم نفت در خاورمیانه و مخصوصاً در حوضه‌های خلیج فارس به میزان ۳۹۶ میلیارد بشکه (اسدی، ۲۰: ۱۳۶۸) خاورمیانه و آبراه استراتژیک خلیج فارس و دریای عمان اهمیت ویژه‌ای یافته است.

۲- صادرات نفت کشورهای عراق، عربستان سعودی، کویت، ایران، امارات متحده عربی، بحرین و سایر کشورهای کوچک خلیج فارس را ثروتمند کرده است بطوری که درآمد سرانه برخی از این کشورهای کوچک عربی از بسیاری کشورهای پیشرفته غربی بیشتر است. این قدرت مالی کشورهای حوزه خلیج فارس و از جمله ایران، بازارهای بسیار جذابی برای کالاهای ساخته شده جهان صنعتی فراهم آورده و اهمیت اقتصادی فراوانی به آنها بخشیده است.

۳- نظریه استراتژیست‌های نظامی از جمله آلفرد تایر ماهان (۱۹۱۴-۱۸۴۰) معروف به نظریه قدرت دریایی (عزتی، ۱۳۷۲: ۵۲) به اهمیت آبراه خلیج فارس و تنگه عمان ویژگی خاصی داد. وی معتقد بود که کنترل خلیج فارس بوسیله یک دولت خارجی که دارای قدرت دریایی چشمگیری باشد می‌تواند موجب تسلط آن کشور بر خاور دور، هندوستان و استرالیا گردد.

۴- براساس نظریه هلفورد مکیندر (۱۹۴۷-۱۸۶۱) استراتژیست انگلیسی در جهان یک جزیره بزرگ جهانی در بین قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا وجود دارد که قلب زمین (Heartland) در داخل این جزیره قرار گرفته است و دولتی که بر این سرزمین مسلط شود بر جهان فرمانروایی خواهد کرد.

بخشهای شمالی ایران جزو قلب زمین محسوب می‌شود و در نتیجه ایران از اعتبار خاصی برخوردار می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۴۲۰).

۵- ایران با در اختیار داشتن تنگه هرمز، از ارزش نظامی ویژه‌ای برخوردار است زیرا

● درست یازده روز پس از انتشار منشور آتلانتیک که طی آن چرچیل و روزولت آزادی، استقلال و حق تعیین سرنوشت را برای همه ملت‌های جهان به رسمیت شناخته بودند کشور بی طرف ایران از شمال و جنوب مورد تجاوز دولتهای شوروی و انگلستان قرار گرفت.

وضعیت و ویژگی‌های توپوگرافی و عرض و شکل این تنگه به گونه‌ای است که هم امکان عبور و مرور کشتی‌های بزرگ جنگی و تجاری را به راحتی فراهم می‌آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۴۹۳) و هم با حاکمیت بر آن امکان مسدود نمودن آن با توپخانه دورزن و موشک‌های با برد کوتاه وجود دارد.

۶- ایران در تنگه هرمز بیشترین منافع را دارا می‌باشد، زیرا اولاً از نظر اقتصادی این کشور بشدت به تنگه هرمز وابسته است و ثانیاً این تنگه از حیث ژئواستراتژیک برای دفاع از خلیج فارس که ایران در نیمی از مسائل آن شریک است و همچنین دفاع از فلات ایران، ارزش فراوانی دارد.

۷- حضور ایران در بین کشورهای ترکیه و پاکستان (بیمان منطقه‌ای سنتو) و تکمیل کمربند امنیتی مطرح در سیاست مهار اتحاد جماهیر شوروی سابق کشور ما را بسیار حساس و با اهمیت می‌ساخت.

۸- براساس نظریه استراتژیست دیگری بنام اسپایکمن (۱۹۴۳-۱۸۹۳) که او هم مانند آلفرد ماهان قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی می‌دانست، اصطلاح ریملند (Rimland) رایج گردید. او برخلاف نظریه مکیندر که نظریه‌ای مبتنی بر تسلط بر قلب خشکی‌های جهان است معتقد بود ریملند عبارت است از شبه جزیره‌ای واقع در غرب و جنوب اروپا و جنوب آسیا، که ایران را در برمی‌گیرد. بنابر عقیده وی «هرکس ناحیه حاشیه‌ای ریملند را کنترل نماید، حاکم اوراسیا خواهد بود و چنین کسی سرنوشت جهان را رقم خواهد زد» (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۴۲۲).

پس از جنگ دوم جهانی که اتحاد جماهیر شوروی توانست با در اختیار گرفتن بخش اعظم «قلب زمین» قدرت خود را تثبیت نماید آمریکا به نظریه اسپایکمن روی آورد و سعی نمود کنترل همه نواحی واقع در ریملند را در اختیار گیرد.

در دوران جنگ سرد آمریکائیان کوشیدند

طبق نظر ژرژ کنان سیاستمدار آمریکایی معروف به استراتژی مهار که دومین اصل سیاست خارجی آمریکا نیز می‌باشد (فارسی، ۱۳۶۱: ۵۰۴) در منطقه ریملند یک خط دفاعی در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سابق ایجاد نمایند.

اهمیت استراتژیک ایران پس از

جنگ سرد

در طول دوران جنگ سرد، سیاست خارجی شوروی بر حصول «برابری نظامی» با ایالات متحده آمریکا و بازداشتن آن ابرقدرت از توسل به یک حمله هسته‌ای ناگهانی تأکید داشت. هزینه‌های تسلیحاتی که دولت شوروی در دوران جنگ سرد تحمل می‌کرد بسیار سنگین و طاقت‌فرسا بود و شاید یکی از دلایل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همین نکته اساسی بود.

نوزدهمین کنگره فوق‌العاده حزب کمونیست شوروی، در دورانی که یک دبیرکل جوان و کارآمد زمام امور را به دست گرفته بود با تصویب برنامه‌های اصلاحات اقتصادی و سیاسی به کار خود پایان داد. افول سوسیالیسم، رکود شدید اقتصادی، گسترش فرهنگ نخبه‌گرایی و عقب‌ماندگی تکنولوژی روسی که حتی از تأمین نیازهای اساسی مردم نیز عاجز بود، زمینه را برای یک عقب‌گرد ایدئولوژیک و اساسی در اردوگاه سوسیالیسم فراهم ساخت (رحمت‌اللهی، ۱۳۷۱: ۲۰۹).

با انتقال قدرت به گورباچف او اعلام نمود که سیاست خارجی شوروی «ادامه سیاست داخلی» آن است و هدف آن انجام وظایف سازنده برای بهبود وضع داخلی است. لذا شوروی اکنون نیازمند صلح است و تحولات به نحوی است که دشمن و کشمکش‌های گذشته خاتمه یافته است و رقیبان دیروز دوستان و شرکای امروز تلقی می‌شوند (امیدوارنیا، ۱۳۷۰).

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای تحت

● جایگاه جغرافیایی

ایران، قرار داشتن در کنار سواحل خلیج فارس و دریای عمان از یک سو، و در مجاورت اتحاد جماهیر شوروی سابق از سوی دیگر، و دارا بودن منابع غنی نفتی و منابع کانی گوناگون و تنوع آب و هوایی، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و قدرت خاصی به کشور ما بخشیده که از دید قدرتهای جهانی مخفی مانده است.

پس از جنگ دوم جهانی و شکست آلمان در خاک اتحاد جماهیر شوروی و تسلط با منازع آن کشور بر قلب زمین و پس از اهمیت یافتن نظریه ریملند به جای نظریه قلب زمین، آمریکاییان تا کنون به عنوان اصل دوم سیاست خارجی خود سعی در تسلط بر اراضی و آبهای منطقه ریملند داشته و به هیچوجه حاضر به عقب نشینی از این مناطق چه دوران جنگ سرد و چه پس از آن نبوده اند.

واقع امر آن است که کشور ایران با ویژگی های فراوان جغرافیایی، برای قدرتهای سلطه جوی غربی اعم از ایالات متحده آمریکا و کشورهای مختلف اروپا و قدرتهای سیاسی و اقتصادی دیگر دنیا مانند ژاپن و چین و روسیه دارای حائز اهمیت می باشد.

پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران اسناد ارزشمندی به دست آمد که همه حکایت از حساس بودن منافع آمریکا در ایران داشت. آمریکاییان حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی داشته اند رژیم انقلاب را در جهت منافع خود تغییر دهند.

جرج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا در گزارش استراتژی امنیت ملی به کنگره این کشور درباره خلیج فارس و خاورمیانه می نویسد: «... اتکای دنیای آزاد به عرضه انرژی از این منطقه، حیاتی است و تقویت روابط ما با بسیاری از کشورهای منطقه همچنان برای منافع آمریکا مهم است، جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) نمونه روشنی است از منطقه ای که حتی اگر تشنجات شرق و غرب در آن فروکش کند نگرانی های استراتژیکی آمریکا همچنان به قوت خود باقی خواهد بود. منافع ما (آمریکا) از جمله امنیت اسرائیل، امنیت کشورهای میانه روی عربی و همچنین خروج آزادانه نفت از منطقه از سوی منابع گوناگون تهدید می شود. در دهه ۱۹۸۰ درگیری های نظامی ما در لبنان، در لیبی، و در خلیج فارس پاسخی بود به خطرهایی که منافع آمریکا در منطقه را تهدید می کرد، در حالی که ما نمی توانستیم این خطرها را از جانب کرملین

عنوان «ارتشی که سرخی اش را از دست داده است» از قول «سرگی روگو» یکی از پژوهشگران نظامی روسیه و استاد انستیتوی بین المللی مطالعات نظامی نوشت «...یک ماشین عظیم جنگی در یک لحظه، خود را یک وضعیت شکست خورده دید، چرا که ارتش سرخ مبنای فکری و انگیزه های ایدئولوژیک خود را با شکست مارکسیسم از دست داد.» (صلاح، ۱۳۷۳).

اگر در دهه ۱۹۶۰ اقدامات انجام شده دو ابر قدرت آمریکا و شوروی علیه یکدیگر، جهان را در آستانه جنگ اتمی قرار داد و تهدیداتی که خروشچف و کندی علیه یکدیگر به عمل آوردند می توانست جهان را در آستانه جنگ جهانی سوم قرار دهد، در دهه ۱۹۹۰ دشمنان دیرین به شکلی غیر قابل تصور تبدیل به دوستان استراتژیکی هم گردیدند.

از سوی دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی و استقبال ملت های مسلمان از مواضع ضد امپریالیستی و اعلام شعار نه شرقی نه غربی در سیاست خارجی دولت ایران، آمریکا و شوروی هر دو به یک نسبت منافع نامشروع خود را از دست رفته دیدند. با گسترش دامنه انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هر دو ابر قدرت حمایت های سیاسی و نظامی بیدریغی از دولت عراق به عمل آوردند. بدین ترتیب با فروپاشی دولت سوسیالیستی شوروی و خاتمه جنگ سرد هیچگونه تغییری در سیاست های دولت آمریکا نسبت به ایران و حوزه خلیج فارس به وجود نیامد بلکه با روی کار آمدن دولت ریگان در ۱۹۸۱ سیاست های دوره کارتر با شدت بیشتری ادامه یافت.

نتیجه گیری

ایران از قدیم الایام چهار راه تمدنها محسوب گردیده و از نظر موقعیت دریایی و زمینی از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار بوده است.

● جورج بوش : جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) نمونه روشنی است از منطقه ای که حتی اگر تشنجات شرق و غرب در آن فروکش کند نگرانی های استراتژیکی آمریکا در مورد آن همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

بدانیم. ضرورت دفاع از منافع، همچنان ادامه خواهد یافت. از این رو به حضور نظامی خود در منطقه شرقی مدیترانه، خلیج فارس و اقیانوس هند همچنان ادامه خواهیم داد». (عزتی، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

پس در يك كلمه می توان گفت فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد به هیچ وجه از اهمیت ژئوپلیتیک ایران نکاسته است.

منابع و مآخذ:

۱. امیدوارنیا، محمد جواد ۱۳۷۰، ریشه های دگرگونی در اتحاد جماهیر شوروی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران.
۲. اسدی، بیژن، ۱۳۶۸، خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران.
۳. اسدی، بیژن، ۱۳۶۸، «علاق و استراتژی آمریکا در خلیج فارس»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران.
۴. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۷۱، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت، تهران.
۵. رونگی، آلبرتو، ۱۳۶۰، آمریکا و شوروی غولهای بیمار، ترجمه پیروز ملکی، انتشارات مؤسسه انتشارات

امیرکبیر، تهران.

۶. رحمت الهی، حسین، ۱۳۷۱، بررسی سیاسی - حقوقی تشکیل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مؤسسه اطلاعات تهران.

۷. دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی شماره ۱۶، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۸. عزتی، عزت ا.، ۱۳۷۲، ژئوپلیتیک، انتشارات سمت، تهران.

۹. فارسی، جلال الدین، ۱۳۶۱، استراتژی بین المللی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۱۰. گاف، ریچارد و همکاران، ۱۳۶۰، تاریخ مختصر قرن بیستم، جلد سوم (عصر کنونی) ترجمه خسرو قدیری، نشر لازار، تهران.

۱۱. کاظمی علی اصغر، ۱۳۶۹، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، انتشارات نشر قومس، تهران.

۱۲. صلاح، الف، ۱۳۷۳، «مقابله با دکتترین مشارکت استراتژیک» روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۷۳/۱۱/۱۹.

۱۳. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۶۴، تاریخ روابط خارجی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.

14. le petit Larousse en couleurs, de Larousse, Paris, 1988.

● ارزش ژئوپلیتیکی ایران در طول تاریخ به حدی بوده است که هر گونه تغییری در حاکمیت آن می توانسته موازنه منطقه ای و جهانی را برهم زند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی